

بررسی نگرش‌های محیط زیستی در بین کودکان با قشربندی اجتماعی متفاوت در شهر مشهد

* حسین میبودی^۱، سید محمد شبیری^۲، سحر قلعه^۳، نرگس لیلاپور^۴

چکیده

مقدمه: شکل‌گیری نگرش، ارزش‌ها، تعهد و مهارت‌های مورد نیاز برای حفظ و پشتیبانی محیط زیست در افراد از سنین پایین آغاز می‌شود. این تحقیق با تمرکز بر نگرش‌های محیط زیستی، سعی در شناخت و تبیین ارتباط میان قشربندی اجتماعی و درک و آگاهی محیط زیستی کودکان پیش‌دبستانی و با هدف بررسی ارتباط بین پایگاه اجتماعی و میزان نگرش محیط زیستی کودکان در شهر مشهد انجام شد.

روش: این مطالعه از نوع توصیفی-پیمایشی است و ۸۴ کودک شرکت‌کننده با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه آماری از مهدکودک‌های دو محله‌ی سجاد و خواجه‌ربیع شهر مشهد، و بر اساس نماد دو پایگاه اجتماعی بالا و پایین انتخاب شدند. نسخه اقتباس شده از پرسشنامه موسر و مالکوس با تصاویر طراحی شده توسط پژوهشگران حمایت شد که به طور واضح هر یک از سؤالات را معرفی می‌کرد. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ، ۰/۷۲ به دست آمد.

یافته‌ها: بین پایگاه اجتماعی و درک محیط زیستی رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد ($P < 0/05$). به بیان دیگر هرچه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان درک محیط زیستی آن‌ها پایین‌تر است. همچنین مشخص شد بین پایگاه اجتماعی و آگاهی محیط زیستی رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد ($P < 0/05$). به بیان دیگر هرچه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان آگاهی محیط زیستی آن‌ها بیشتر است. **نتیجه‌گیری:** نتیجه کلی اینکه، پایگاه اجتماعی، بیش از آنکه تبیین‌کننده میزان درک محیط زیستی افراد باشد، میزان آگاهی محیط زیستی آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند.

واژه‌گان کلیدی: نگرش‌های محیط زیستی، کودکان، قشربندی اجتماعی، شهر مشهد.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۸

۱- دانشجوی دکتری مدیریت محیط زیست، دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران. (نویسنده مسئول)

پست الکترونیکی: links.state@gmail.com

۲- دانشیار دانشگاه پیام نور، گروه علمی آموزش محیط زیست.

۳- دانشجوی دکتری مدیریت محیط زیست، دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور، تهران.

مقدمه

مطالعات اخیر نشان می‌دهد، بحران‌های محیط زیستی در ایران نیز به عنوان یکی از شدیدترین بحران‌های محیط زیستی در جهان شناخته شده است (۱). این مسئله حاکی از آن است که آموزش محیط زیست در کشور ما با تردیدها و کاستی‌های قابل توجهی روبرو است. در سال‌های اخیر آهنگ معمولی انقراض بسیاری از منابع زیستی جهان سرعت یافته و در نتیجهی تخریب مداوم جنگل‌ها و سایر زیستگاه‌های غنی زیستی و همچنین شخم بیش از حد زمین، آلودگی و استفاده‌ی نامناسب از جانوران و گیاهان غیر بومی، سریع‌تر هم می‌شود. از آغاز قرن بیستم، استفاده از انرژی ۱۶ برابر، تولید صنعتی ۴۰ برابر، استفاده از آب ۹ برابر، ماهیگیری ۳۵ برابر، انتشار دی‌اکسید کربن ۱۷ برابر، انتشار گوگرد ۱۳ برابر افزایش یافته است؛ این در حالیست که جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی در حال تسریع می‌باشد (۲). در همین زمان جمعیت دنیا از ۱/۲ میلیارد نفر در اواخر قرن بیستم، به حدود ۶/۷ میلیارد نفر افزایش یافته است و این یک افزایش ۵ برابری را نشان می‌دهد (۳).

مرور اخیری که از سوی سازمان ملل متحد انجام شده است نشان داد در صورتی که روندهای تولید و مصرف فعلی ادامه یابد، ممکن است با یک بحران اجتناب ناپذیر تغییر جوی مواجه گردیم که سیستم‌های بوم شناختی جهان و سلامت و تندرستی انسان را تهدید خواهد کرد (۴). بسیاری از نتایج منفی مشکلات محیط زیستی توسط ملت‌ها درک شده‌اند و در نتیجه آن معاهدات زیادی در سراسر جهان منعقد و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی گوناگونی تشکیل است. از سال ۱۹۴۸، با برگزاری کنفرانس انجمن بین‌المللی حفاظت از طبیعت در پاریس تا سال ۲۰۰۳ در کنفرانس اروپایی محیط زیست، آموزش محیط زیست به عنوان عنصری کلیدی برای حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از مشکلات محیط زیستی مطرح بوده است (۵ و ۶). همچنین در کنفرانس تفلیس بیان شد که آموزش محیط زیست باید در همه‌ی سطوح آموزش رسمی و غیر رسمی که شروع آن از دوران کودکی است، وارد شود (۷).

آموزش محیط زیست، بنیادی‌ترین شیوه در حفاظت از محیط زیست بوده که به کودکان و بزرگسالان، بهترین شیوه ارائه مطالب و نحوه فعالیت‌ها و اجرای ساختاری در زمینه ارتقاء آگاهی‌های زیست‌محیطی را می‌آموزد تا از این طریق هر فرد جامعه، خود را از طریق احترام گذاشتن به طبیعت، مسئول در حفظ و حمایت از محیط زیست بداند (۸). به بیانی دیگر آموزش محیط زیست یک فرایند فعال است که طی آن آگاهی، دانش و مهارت‌ها ارتقاء یافته و منجر به درک، تعهد، تصمیمات آگاهانه و فعالیت‌های سازنده برای مدیریت کلیه اجزای به هم آمیخته محیط زیست می‌شود. هدف از آموزش محیط زیست ایجاد آگاهی در افراد جهت حفاظت محیط زیست و نیز بالا بردن درک محیط زیستی آن‌ها به منظور حل مشکلات محیطی دانست (۹).

برای آموزش محیط زیست به کودکان، دارا بودن شناختی نسبت به نگرش‌های آنان در تدوین و اجرای برنامه‌های آموزش محیط زیست مفید است. میلر و لوین (۱۹۹۶) نگرش‌های محیط زیستی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «تمایل ایجاد شده درباره‌ی بعضی از ویژگی‌های محیط زیست که می‌تواند نوعی علاقه یا بی‌علاقگی و طرفداری یا بی‌اعتنایی را شامل شود» (۱۰). به عقیده تامسون و بارتون (۱۹۹۴) نگرش‌های محیط زیستی بر دو مبنای طبیعت محور و انسان‌محور قرار دارند. نگرش‌های طبیعت محور اشاره به همدلی با طبیعت می‌کند و ارزش طبیعت را به خاطر ذات خودش می‌دانند، در حالیکه در نگرش‌های انسان‌محور تنها برای پشتیبانی و افزایش زندگی انسان، محیط زیست را حفظ می‌کنند (۱۱). مثالی برای نگرش طبیعت محور اینکه، احترام به حیوانات به دلیل این است که اجزای مهم و زیبای جهان هستند. در حالیکه اگر دلیل اصلی احترام به حیوانات، سود آن‌ها برای بشر باشد، به انسان‌محوری اشاره دارد. در واقع پایه‌های طبیعت محوری و انسان‌محوری، پیش‌بینی کننده‌های رفتار محیط زیستی هستند. همان‌طور که توسط فیشین و آجن (۱۹۷۵) گفته شده، نگرش‌ها هستند که قصدهای رفتاری را پیش‌بینی می‌کنند (۱۲). افراد طبیعت محور احتمال بیشتری دارد که رفتاری دوستارانه با محیط زیست

داشته باشند در حالیکه افراد انسان‌محور بدون وجود منافع و ارزش‌های انسان‌محورانه احتمال کمتری دارد که از طبیعت حمایت کنند. در این رابطه دوران کودکی، کلیدی برای رفتارهای محیط زیستی هستند و این سال‌ها در ایجاد نگرش‌های محیط زیستی طبیعت محور بسیار مؤثرند (۱۳).

دوران کودکی اهمیت زیادی در ایجاد نگرش‌های محیط زیستی دارند و آموزش محیط زیست در این دوران، راهی برای پرورش نگرش‌های محیط زیستی در انسان است (۹). تحقیقات اخیر بر روی رشد عقلانی و مغز نشان می‌دهد که در طول زندگی، دوران کودکی نقش بسیار مهمی در آغاز یادگیری هر انسان دارند (۱۴).

نگرش‌های محیط زیستی که در دوران کودکی شکل می‌گیرند مادام‌العمر و تغییر ناپذیر هستند (۱۵). بنابراین مهدکودک‌ها به عنوان فضایی که کودکان ساعت‌های زیادی از طول روز خود را در مهم‌ترین سنین الگوپذیری و آموزش‌پذیری در آنجا سپری می‌کنند، می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاها برای افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی به کودکان مورد توجه قرار گیرد (۱۶). نگرش‌ها واکنش‌هایی ارزش‌گرایانه به اشیاء یا رفتارها بر اساس باورها در مورد آن اشیاء یا رفتارها هستند. در روانشناسی اجتماعی، نگرش‌ها از ارزش‌های کلی و باورهای اولیه نشأت می‌گیرند و پیش‌بینی کننده‌های فوری رفتار هستند. نگرش‌ها به جمع‌بندی و یکپارچه‌سازی ارزش‌ها و باورهای ما در مورد موضوعی خاص کمک می‌کنند (۱۷). بنابراین همان‌طور که دیدنت (۲۰۰۸) بیان کرد: «اگر ما بخواهیم این هستیم که بزرگسالان در نسل‌های بعدی به زمین احترام بگذارند، مهم است که امروزه در برنامه درسی دوران کودکی آنان، آموزش محیط زیست و رابطه‌ی متقابل بین فعالیت‌های انسانی و محیط زیست را قرار دهیم» (۱۸).

قلمرو رشد و فعال‌شدن استعدادها و توانایی‌های آدمی را زمان، مکان یا شرایط زمانی و مکانی (موقعیت) تعیین می‌کند و جهت می‌دهد. بنابراین تربیتی سودمند و اثر بخش خواهد بود که آن شرایط را در نظر بگیرد و با آن هماهنگ باشد و یا بتواند شرایط نامطلوب را به شرایط مطلوب تغییر دهد. نظریه

اینگلهارت در خصوص دگرگونی ارزشی پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابجایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد. او معتقد است جایگزینی نسلی تنها عامل تغییر ارزشی نیست، بلکه مؤلفه‌های مهم دیگری نیز مطرح می‌باشند (۱۹).

اینگلهارت معتقد است که در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی، تحول در ارزش‌های مادی انسان‌های این جوامع رخ داده، به گونه‌ای که روند این تحول، حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی را نشان می‌دهد. او طی مطالعات گسترده خود نشان می‌دهد که دگرگونی ارزش‌ها در میان نسل جدید حاکی از تحول فرهنگی است که نسبت به نسل قدیم رخ داده و در این تحول کیفیت زندگی و ابراز نظر فردی برجستگی بیشتر در مقابل هنجارهای اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و مذهبی گذشته دارد. بر این مبنا اینگلهارت به تأثیر قشربندی اجتماعی توجه می‌کند. از این منظر خانواده‌های ثروتمند به نظر می‌رسد جوانان ماتریالیست کمتری نسبت به خانواده‌های فقیر پرورش می‌دهند. این امر به روشنی نشانگر رابطه میان توسعه اقتصادی و دگرگونی ارزشی است. از نظر وی درون هر گروه سنی معین آن‌هایی که در خانواده‌های نسبتاً مرفه پرورش یافته‌اند به احتمال بیشتر به ارزش‌های فرامادی اهمیت می‌دهند (۲۰).

آترک کهریمان (۲۰۱۰) پژوهشی را بر روی ۳۲۰ کودک پنج و شش ساله انجام داد و نتیجه گرفت که حدود ۶۰ درصد از آن‌ها در سطح بالایی از دانش درباره‌ی طبیعت قرار دارند. از نظر او، کودکان کلماتی همچون محیط زیست، حفاظت محیط زیست و پناهگاه را درک می‌کنند. آن‌ها نام گیاهان و حیوانات مناطق حفاظت شده را می‌دانند و قادرند بعضی از قوانین حفاظت محیط زیست را نام ببرند (مانند: "گل‌ها را نکنید"، "شاخه‌ها را نشکنید"، "زباله‌ها را در سطل بیندازید نه بر روی چمن‌ها" و "به پرندگان غذا دهید"). همچنین آن‌ها می‌دانند که سلامتی ما بستگی به عمل مناسب ما نسبت به جهان طبیعی دارد. ۳۲ درصد از آن‌ها در یک سطح نسبتاً بالایی در مورد دانش محیط زیستی قرار داشتند و ۱۲ درصد از آن‌ها در حد

میان‌ه قرار دارند که مسائل محیط زیستی را در سطحی متوسط می‌دانند. این بچه‌ها در توضیح کلماتی همچون پناهگاه یا پارک‌های ملی مشکل داشتند و فقط تعداد کمی از قوانین حفاظت از محیط زیست را می‌دانستند. آن‌ها درک نمی‌کردند که هر چه که ما نیاز داریم از طبیعت می‌آید و علاقه‌ی متوسطی را درباره‌ی موضوعات حفاظت محیط زیست نشان می‌دادند. و کودکانی با سطح پایین دانش محیط زیستی اصلاً هیچ یک از این مسائل را نمی‌دانستند (۲۱).

در مورد عوامل مؤثر بر نگرش‌های محیط زیستی پژوهش‌ها نشان می‌دهد، به طور کلی متغیرهای جمعیت شناختی رابطه ضعیفی با نگرش‌های محیط زیستی دارند. پاسخ‌دهندگان جوان تر و دارای تحصیلات بالاتر، بیشتر حامی طبیعت هستند (۲۲). به طور متوسط زنان علاقه‌ی بیشتری نسبت به محیط زیست نشان می‌دهند (۲۳). اما این تأثیر اندک بوده و همیشه مشاهده نمی‌شود. تعدادی از پژوهشگران ادعا کرده‌اند که گروه‌های قومی به لحاظ نگرششان نسبت به محیط زیست با یکدیگر متفاوتند. جانسون و همکاران (۲۰۰۴) در تحلیل داده‌های مربوط به یک پژوهش گسترده‌ی ملی، تفاوت‌های جنسیتی و قومی را هم در رفتارها و هم در نگرش‌های محیط زیستی مشاهده کرده‌اند (۲۴). بسیاری از پژوهشگران توجه خود را به تفاوت‌های بین دختران و پسران در نگرش‌های و آگاهی‌های محیط زیستی معطوف ساخته‌اند. همان‌طور که در دستور کار ۲۱ بیان شده، مسائل جنسیتی باید در مطالعات محیط زیستی بیشتر مورد مطالعه قرار گیرند زیرا سهم زنان در تربیت کودکان دوستدار طبیعت، نقش کلیدی برای حفاظت از محیط زیست ایفا می‌کند (۲۱).

اینکله‌ه‌ارت (۱۹۹۵) ادعا کرد که جوامع باید پیش از اولویت دادن به اهداف محیط‌گرایانه به سطحی از ثروت برسند که امکان تأیید ارزش‌های پسماده‌گرایی را به آن‌ها بدهد. از نظر او کسانی که در کشورهای غیر صنعتی و در حال توسعه زندگی می‌کنند، بر روی برآوردن نیازهای فوری از قبیل امنیت و رفاه اقتصادی تمرکز می‌نمایند و به محض دستیابی به یک ثبات

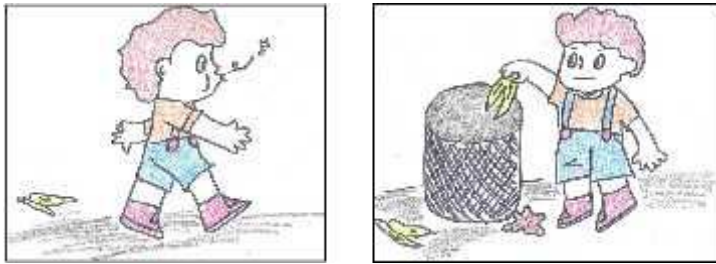
اقتصادی، بر اهداف انتزاعی‌تر مانند حفاظت از محیط زیست تأکید خواهند کرد (۱۷).

این تحقیق با تمرکز بر نگرش‌های محیط زیستی، سعی در شناخت و تبیین ارتباط میان قشریندی اجتماعی و درک و آگاهی محیط زیستی کودکان پیش‌دبستانی دارد. در این نوشتار، درک و آگاهی محیط زیستی شاخصه‌ی سنجش نگرش‌های محیط زیستی در کودکان است. با این مقدمه می‌توان سؤال اصلی تحقیق را این‌گونه بیان کرد: آیا قشریندی اجتماعی افراد بر میزان نگرش محیط زیستی کودکان مؤثر است؟

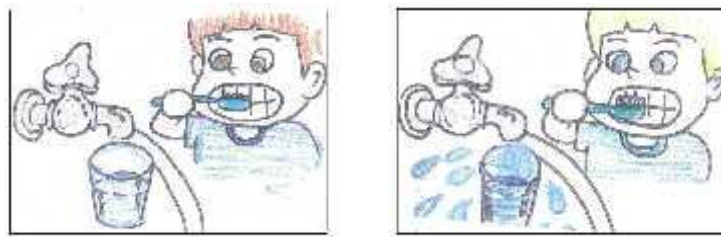
مواد و روش‌ها

با توجه به موضوع، روش توصیفی-پیمایشی برای این پژوهش انتخاب شد. برای ارزیابی درک و آگاهی محیط زیستی کودکان از یک پرسشنامه‌ی دو قسمتی استفاده گردید که شامل ۱۵ سؤال اصلی و زیرمجموعه‌هایی در مورد آگاهی و درک نسبت به مسائل محیط زیستی از جمله الگوهای مصرف، حفاظت از محیط زیست، بازیافت، استفاده مجدد و روش‌های زندگی که توسط موسر و مالکوس (۱۹۹۷) طراحی شده است، استفاده گردید (۲۵).

در خصوص بررسی پایایی پرسشنامه‌های مورد استفاده در این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. پس از جایگذاری مقادیر حاصل از اطلاعات به دست آمده، مقدار ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش برابر با ۰/۷۲ به دست آمد. همچنین برای درک بیشتر سؤالات در طول فرآیند مصاحبه، تصاویری به همراه هر سؤال به کودکان نشان داده شد تا درک آن برای کودک راحت‌تر باشد (شکل شماره ۱ و ۲).



شکل شماره ۱- نمونه‌ای از تصاویر حمایت شده برای سؤالات پرسشنامه (مفهوم حفاظت از محیط زیست)



شکل شماره ۲- نمونه‌ای از تصاویر حمایت شده برای سؤالات پرسشنامه (مفهوم الگوهای مصرف)

بازیافت و استفاده مجدد: شامل فرآیند تبدیل مواد استفاده شده به محصولات جدید می‌باشد تا جلوی هدر رفتن مواد مفید بالقوه را بگیرد و باعث کاهش مصرف مواد جدید، انرژی، آلودگی آب و هوا و انتشار گازهای گلخانه‌ای شود (Ibid). در این مطالعه منظور از بازیافت و استفاده مجدد، استفاده دوباره از مواد قدیمی و استفاده از سطل بازیافت و تفکیک مواد قابل بازیافت است.

عادات زندگی: سبک و روشی از زندگی که نگرش‌ها و ارزش‌های یک شخص یا گروهی از اشخاص را نشان می‌دهد (Ibid). در این مطالعه عادات زندگی به صورت ترجیحات زمین بازی، سکونت و همچنین آلودگی‌های محیط زیست توصیف شده است.

عوامل متعددی می‌توانند در سنجش قشربندی اجتماعی افراد مؤثر باشند این عوامل که در تحقیق حاضر ملاک عمل قرار گرفت عبارت است از: قومیت و اصل و نسب، منزلت شغلی و تحصیلات پدر و مادر کودکان. در انتها برای پی بردن به تفاوت میانگین درک و آگاهی محیط زیستی در بین قشربندی‌های مختلف، عامل قشربندی اجتماعی به سمت قسمت پایگاه پایین، متوسط و بالا تقسیم شد.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه مهدکودک‌های شهر مشهد تشکیل می‌دهند. برای انتخاب نمونه آماری، ۸۴ کودک پنج و شش ساله از مهدکودک‌های شهر مشهد که در محله‌های سجاد و خواجه ربیع ساکن بودند به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای برگزیده شدند و مورد پرسش قرار گرفتند. معیارهای شمول این پژوهش داشتن علاقه‌مندی به آموزش حفاظت از محیط زیست و مشارکت در این پژوهش می‌باشد. دو محله‌ی سجاد و خواجه ربیع برای نویسندگان، نماد دو منطقه با قشربندی اجتماعی بالا و پایین بوده است.

منظور از «مسائل محیط زیستی» که در این پژوهش به چهار بخش الگوهای مصرف، حفاظت محیط زیست، بازیافت و استفاده مجدد و عادات زندگی تقسیم شده است، عبارتند از: الگوهای مصرف: ترکیبی از کمیت، کیفیت، فعالیت‌ها و گرایش‌ها که میزان مصرف اجتماعات یا گروهی از مردم را برای زنده ماندن، راحتی و تفریح توصیف می‌کند (۲۶). در این مطالعه الگوهای مصرف به مصرف آب، کاغذ و الکترونیسته اشاره دارد. حفاظت محیط زیست: واکنشی برای حفاظت از محیط زیست در سطوح فردی، سازمان یافته و یا دولتی که برای محیط زیست طبیعی و یا انسان مفید باشد (Ibid). در این مطالعه حفاظت محیط زیست اشاره به حفاظت حیوانات، گیاهان و محیط‌های اطراف دارد.

یافته‌ها

میانگین سنی ۸۴ نفر شرکت‌کننده که سن خود را مشخص نموده‌اند، تقریباً ۵/۷ سال بود. در این پژوهش تعداد ۴۲ پسر و ۴۲ دختر شرکت داده شدند.

۱- ضریب همبستگی پیرسون بین عامل پایگاه اجتماعی و متغیرهای درک و آگاهی محیط زیستی بر اساس مقدار ضریب همبستگی پیرسون [۰/۱۴۲-] مشخص شد میان عامل پایگاه و درک محیط زیستی رابطه

معنادار و منفی وجود دارد (برای ضریب اطمینان کوچکتر از ۰/۰۱) به این معنی که هرچه پایگاه اجتماعی بالاتر باشد میزان درک محیط زیستی کمتر است. بر اساس مقدار ضریب همبستگی پیرسون [۰/۵۱۴] مشخص شد میان عامل پایگاه اجتماعی و آگاهی محیط زیستی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (برای ضریب اطمینان کوچکتر از ۰/۰۱) به این معنی که هرچه پایگاه اجتماعی بالاتر باشد میزان آگاهی محیط زیستی بیشتر است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: ضریب همبستگی پیرسون بین عامل پایگاه اجتماعی و نمره درک و آگاهی محیط زیستی

عامل پایگاه اجتماعی	نمره درک محیط زیستی	نمره آگاهی محیط زیستی
عامل پایگاه اجتماعی	۱	۰/۵۱۴**
نمره درک محیط زیستی	-	-۰/۴۲۴**
نمره آگاهی محیط زیستی	-	۱

۲- مقایسه میانگین نمره درک و آگاهی محیط زیستی در بین سه پایگاه اجتماعی پایین، متوسط و بالا

مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد (جدول شماره ۲) اگر عامل پایگاه اجتماعی را به سه بخش پایین، متوسط و بالا تقسیم کنیم، میانگین نمره درک محیط زیستی افراد حاضر در پایگاه پایین از بقیه پایگاه‌ها بیشتر است. مقایسه میانگین‌ها همچنین ثابت می‌کند میانگین نمره آگاهی محیط زیستی افراد حاضر در

پایگاه بالا از بقیه پایگاه‌ها بیشتر می‌باشد. نتایج تحلیل واریانس نیز نشان می‌دهد تفاوت میانگین نمرات درک و آگاهی محیط زیستی معنادار است، بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که نه تنها در نمونه آماری بلکه در جمعیت آماری مورد مطالعه، هرچه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان آگاهی محیط زیستی آن‌ها بیشتر و درک محیط زیستی آن‌ها کمتر است (جدول شماره ۳ و ۴).

جدول شماره ۲: میانگین نمره درک و آگاهی محیط زیستی در بین سه پایگاه اجتماعی پایین، متوسط و بالا

انحراف معیار	تعداد	میانگین	نمره آگاهی محیط زیستی			انحراف معیار	تعداد	میانگین	نمره درک محیط زیستی		
			پایگاه اجتماعی	انحراف معیار	تعداد	میانگین	پایگاه اجتماعی	انحراف معیار	تعداد	میانگین	پایگاه اجتماعی
۱/۵۹	۲۸	۱/۸۷	پایین	۱/۱۷	۲۸	۴/۶۸	پایین	۴/۶۸	۲۸	۴/۶۸	پایین
۱/۱۹	۲۲	۲/۱۶	متوسط	۱/۱۴	۲۲	۴/۴۹	متوسط	۴/۴۹	۲۲	۴/۴۹	متوسط
۱/۴۱	۳۴	۴/۱۳	بالا	۱/۱۲	۳۴	۳/۸۸	بالا	۳/۸۸	۳۴	۳/۸۸	بالا
۱/۴۸	۸۴	۲/۳۹	کل	۱/۱۹	۸۴	۴/۳۱	کل	۴/۳۱	۸۴	۴/۳۱	کل

جدول شماره ۳: نتیجه تحلیل واریانس نمره درک محیط زیستی در بین سه پایگاه اجتماعی پایین، متوسط و بالا

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	بین گروه‌ها
۰/۰۱۵	۳/۱۶	۱۷/۰۲	۳۳/۷۱	۲	بین گروه‌ها
		۳/۸۸	۱۶۷۸/۲۹	۸۱	داخل گروه‌ها
			۱۶/۱۴	۸۳	کل

جدول شماره ۴: نتیجه تحلیل واریانس نمره آگاهی محیط زیستی در بین سه پایگاه اجتماعی پایین، متوسط و بالا

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	بین گروه‌ها
۰/۰۰۰	۵۹/۱۷	۳۰۹/۵۲	۵۸۹/۲۲	۲	بین گروه‌ها
		۳/۵۳	۱۵۱۶/۸۱	۸۱	داخل گروه‌ها
			۱۹۸۶/۲۸	۸۳	کل

بحث

مهدکودک‌ها می‌تواند و باید نقش اساسی و مهمی را در آموزش محیط زیست به کودکان به عهده گیرند. از این میان شناسایی و تبیین وضعیت موجود نگرش‌های محیط زیستی کودکان به عنوان سازندگان آینده کشور، گام نخست در تربیت و آموزش نیروی انسانی متخصص با رویکردی محیط زیستی است. همان‌گونه که ذکر شد هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط پایگاه اجتماعی و میزان نگرش محیط زیستی کودکان در شهر مشهد می‌باشد. در این تحقیق فرض بر این بود که درک و آگاهی محیط زیستی همواره تحت تأثیر موقعیت پایگاهی افراد قرار دارند. بر اساس هدف و فرض کلی یاد شده دو فرضیه زیر ساخته شد:

۱- هرچه پایگاه اجتماعی افراد پایین‌تر باشد میزان درک محیط زیستی آن‌ها بیشتر است.

۲- هرچه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان آگاهی محیط زیستی آن‌ها بیشتر است.

برای آزمون این فرضیات از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم. مقدار ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، بین پایگاه اجتماعی و درک محیط زیستی رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد (۱۴۲/۰-). به بیان دیگر هرچه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان درک محیط زیستی آن‌ها پایین‌تر است (اثبات فرضیه اول). این نتیجه همسو با نتایج رابرتسون (۲۰۰۹) است (۲۷). او بیان می‌کند، دلیل اصلی اینکه چرا کودکان روستایی نسبت به کودکان شهری درک بیشتری درباره‌ی محیط زیست دارند می‌تواند این باشد که این کودکان فرصت‌های بیشتری برای تجربه محیط‌های طبیعی دارند. به گفته او، فرصت‌ها، جنبه مهمی از شکل‌گیری نگرش‌های محیط زیستی کودکان هستند. کودکان برای بازی باید مکانی خارج از محیط خانه مثل یک پارک، مزرعه یا جنگل را داشته باشند تا نگرش‌های طبیعت محور درباره عادات زندگی را کسب نمایند.

همچنین مشخص شد بین پایگاه اجتماعی و آگاهی محیط زیستی رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. به بیان دیگر هرچه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان آگاهی محیط زیستی

آن‌ها بیشتر است (اثبات فرضیه دوم). این یافته‌ها همسو با نتایج کوپینا و ویلیامز (۲۰۱۲) می‌باشد (۲۸). آن‌ها در مورد نگرش‌های کودکان با شرایط متفاوت اجتماعی- اقتصادی درباره‌ی ماشین بیان می‌کند که تفاوت‌های زیادی بین نگرش کودکان با پیش زمینه‌های متفاوت اجتماعی- اقتصادی وجود دارد. دانش‌آموزانی که از مدارس اشراف‌زادگان هلندی بودند آگاهی بیشتری به استفاده‌ی والدین‌شان از ماشین و آلودگی هوا داشتند و علاقه‌ی کمتری به داشتن ماشین در آینده نشان دادند. در حالیکه کودکان از مدرسه‌های فقیرتر، آگاهی و توجه کمتری به محیط زیست نشان دادند و آرزوی بیشتری برای داشتن ماشین در آینده داشتند. از طرفی دانلوپ و یورک (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که آگاهی‌های محیط زیستی مستقل از وضعیت اجتماعی- اقتصادی است که با یافته‌های این پژوهش مغایرت دارد (۲۹).

همچنین مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد اگر عامل پایگاه اجتماعی را به سه بخش پایین، متوسط و بالا تقسیم کنیم، میانگین نمره درک محیط زیستی پایگاه پایین از بقیه پایگاه‌ها بیشتر است. مقایسه میانگین‌ها همچنین ثابت می‌کند میانگین نمره آگاهی محیط زیستی پایگاه بالا از بقیه پایگاه‌ها بیشتر می‌باشد. با دقت در سطح معناداری تحلیل واریانس نمره درک و آگاهی محیط زیستی در بین سه پایگاه اجتماعی پایین، متوسط و بالا و با توجه به معنی‌دار بودن آن می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که نه تنها در نمونه آماری بلکه در جمعیت آماری مورد مطالعه، هرچه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان آگاهی محیط زیستی آن‌ها بیشتر و درک محیط زیستی آن‌ها کمتر است.

کوپینا (۲۰۱۱a ، ۲۰۱۱b) در پژوهش‌های خود نشان داد با اینکه والدین با وضعیت بالاتر اجتماعی- اقتصادی خود را دوستدار محیط زیست و آگاه از معضلات محیط زیستی استفاده از حمل و نقل شخصی می‌دانستند، اما داده‌های واقعی رفتاری آنها (با وجود این واقعیت که تقریباً ۸۰ درصد این والدین صاحب ماشین بودند) تفاوت و اختلاف بین آگاهی و درک واقعی آن‌ها را نشان می‌داد (۳۰ و ۳۱).

مطالعه جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزش محیط زیست می‌تواند اثرات زیادی در نگرش‌های محیط زیستی، هم در کودکان طبقات بالا و هم در کودکان طبقات پایین داشته باشد. به عنوان مثال، پالمر و همکاران (۲۰۰۳) ثابت کردند که برنامه‌های آموزش محیط زیست بر نگرش‌های محیط زیستی کودکان درباره بازیافت و استفاده مجدد تأثیرگذار است. همان‌طور که این نویسندگان گفته‌اند، کودکان انگلیسی که در برنامه‌های سازمان یافته آموزش محیط زیست شرکت داشته‌اند، نگرش‌های بهتری درباره مواد دور ریختنی نسبت به همسالان لهستانی خود دارند (۳۲).

مقدار ضریب همبستگی پیرسون میان عامل پایگاه اجتماعی و درک و آگاهی محیط زیستی ما را به این نتیجه می‌رساند که ارتباط پایگاه اجتماعی با آگاهی محیط زیستی قوی‌تر از ارتباط این متغیر با درک محیط زیستی است. به بیان دیگر بالا و پایین بودن پایگاه اجتماعی، بیش از آنکه تبیین‌کننده میزان درک محیط زیستی افراد باشد، میزان آگاهی محیط زیستی آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند.

نتیجه‌گیری نهایی

در این پژوهش آشکار شد که ممکن است بین آگاهی محیط زیستی و درک محیط زیستی تناقض وجود داشته باشد. به بیان دیگر هرچه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان درک محیط زیستی آن‌ها پایین‌تر و میزان آگاهی محیط زیستی آن‌ها بیشتر است. مطالعه جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی نشان می‌دهد نگرش‌های مادی‌گرایانه کودکان می‌تواند با توجه به سن آن‌ها و توسعه‌ی عقلی آن‌ها توجیه شود. نگرش‌های محیط زیستی کودکان پیش دبستانی می‌تواند توسط برنامه‌های آموزش محیط زیست که شامل فعالیت‌های داخلی و خارجی می‌شود، با این

منابع

- 1- World Bank. World Development Indicators UNDP, Human Development Report. 2014.
- 2- McMichael, Tika. Ecologically sustainable development: Will recognition of health risks revitalise the debate? Dissent. 2008, 4-12.

تصور که نگرش‌های محیط زیستی در طی سنین اولیه شکل می‌گیرند و تأثیرات طولانی مدتی در طول زندگی انسان دارند توسعه یابد.

مطالعه ارتباط پایگاه اجتماعی و میزان نگرش محیط زیستی کودکان در شهر مشهد نشانگر لزوم ارتقای آموزش‌های محیط زیستی و ایجاد تغییر در آگاهی و درک آنان نسبت به حفاظت از محیط زیست است. از آنجا که مهدکودک‌ها به عنوان فضایی که کودکان ساعت‌های زیادی از طول روز خود را در مهم‌ترین سنین الگوپذیری و آموزش‌پذیری در آنجا سپری می‌کنند، می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاها برای افزایش آگاهی‌ها و درک محیط زیستی کودکان قرار گیرد. در پایان پیشنهادات زیر جهت تقویت آموزش محیط زیست در مهدکودک‌ها پیشنهاد می‌گردد:

۱. برنامه‌ریزی برای ارتقاء آگاهی‌ها و درک محیط زیستی کودکان در مهدکودک‌ها با آگاه‌سازی مربیان آن‌ها
۲. کنترل بیشتر مسئولین بر روی برنامه‌های آموزش محیط زیست در مهدکودک‌ها
۳. بررسی روش‌های مختلف آموزش محیط زیست به کودکان با توجه به پایگاه اجتماعی آنان
۴. طراحی و ساخت بازی‌های آموزشی جهت آموزش حفاظت از محیط زیست به کودکان در مهدکودک‌ها
۵. تولید محتوای آموزشی مناسب در مورد مسائل محیط زیستی برای کودکان

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از صبر و حوصله فراوان و ستودنی کودکان و مربیان مهدکودک‌های شهر مشهد که در تهیه و تنظیم این پژوهش مساعدت فرمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

- 3- UNICEF. The State of the World's Children: Special Report Celebrating 20 years of the Convention on the Rights of the Child. 2009.
- 4- UNEP. Year Book: An overview of our changing environment. United Nations Environment Programme. 2008.
- 5- Palmer, Joy. Environmental thinking in the early years: Understanding and misunderstanding of concepts related to waste management. *Environmental Education Research*; 1995, 1(1): 35-45.
- 6- Scoullus, Mike and Malotidi, Vazeou. Handbook of methods used in environmental education and education for sustainable development. MIO-ESCDE: Athens. 2004.
- 7- UNESCO. Final report: Intergovernmental Conference on Environmental Education Tbilisi (USSR) 24-26 October 1977. Paris: United Nations Education, Scientific and Cultural Organization. 1978.
- 8- Meiboudi, Hossein and Karimzadegan, Hasan. Exploration of public participation in the development of environmental education in Mashhad Metropolis. *Journal of Environmental Education and Sustainable Development*; 2012, 1 (2): 25-33.
- 9- Meiboudi, Hossein. *Environmental Education in contemporary Iran* (1nd ed.). Germany: Lap Lambert Academic Publishing. 2013.
- 10- Miller, Michael. D and Levine Toilolo. In M. B. Salwen & D. W. Stacks (Eds.), *An integrated approach to communication theory and research*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc. 1996.
- 11- Thompson, Gerry and Barton, Miki. Ecocentric and anthropocentric attitudes toward the environment. *Journal of Environmental Psychology*; 1994, 14: 149-157.
- 12- Fishbein, Martin and Icek Ajzen. *Belief, attitude, intention and behavior: An introduction to theory and research*. Addison-Wesley, Reading, MA. 1975.
- 13- Biriukova, Natalia. The formation of an ecological consciousness. *Russian Education & Society*; 2005, 47 (12): 34-35.
- 14- Nutbrown, Cathy. *Key concepts in early childhood education care*. New York: Sage Publications Psychology Press. 2006.
- 15- Nikolaeva, Silviya. The ecological education of preschool children. *Russian Education and Society*, 2008; 50(3): 64-72.
- 16- Meiboudi, Hossein. Learning environments in Kindergarten of Mashhad city using mural painting, Educational Technology Researches Conference, Cyprus, Gazi University, 2011. Available in <http://www.worldeducationcenter.eu/index.php/wcetr/WCETR2011/paper/view/6458>.
- 17- Clayton, Susan and Gene Myers. *Conservation psychology; understanding and promoting human care for nature*. Translated by Saffarinia, Majid and et al., Tehran: Arjmand Press. 2011.
- 18- Didonet, Vital. *Early childhood education for a sustainable society. The contribution of early childhood education to a sustainable society*. UNESCO: Paris. 2008.

- 19- Abramson, Paul and Ronald Inglehart. Generational Replacement and value change in Eight west European societies, *British journal of political science*; 1992. 22: 183- 228.
- 20- Inglehart, Ronald, Public support for environmental protection: Objective problems and subjective values in 43 societies. *PS: Political Science*; 1995, 15: 57-71.
- 21- Ozturk-Kahriman, Deniz. Preschool children's attitudes towards selected environmental issues. Unpublished Master Thesis. Middle East Technical University, Ankara. 2010.
- 22- Bodur, Muzaffer and Sarigollu Emine. Environmental sensitivity in a developing country. *Environment and Behavior*. 2005; 37 (4): 487-510.
- 23- Milfont, Taciano and Duckitt, John. The structure of environmental attitude: A first- and second- order confirmatory factor analysis. *Journal of Environmental Psychology*. 2004; 24 (3): 289-303.
- 24- Johnson, Cy and Bowker, James Michael and Cordell, H. Ken. Ethnic variation in environmental belief and behavior. *Environment and Behavior*; 2004, 36: 157-186.
- 25- Musser, Lynn and Malkus, Amy, Environmental concern in school-age children. Elementary and Childhood Education. ERIC Document Reproduction Service No. ED 407099. 1997.
- 26- Environmental Problems and Society. European Environment Information and Observation Network (EIONET); 2010, from www.eionet.europa.eu/gemet/concept/1745.
- 27- Robertson, Jim. Forming preschoolers' environmental attitude: Lasting effects of early childhood environmental education. M.A. dissertation, Royal Roads University, Canada, from Dissertations & Theses: Full Text database. 2009.
- 28- Kopnina, Helen and Melanie Williams. Car attitudes in children from different socio-economic backgrounds in the Netherlands. *Transport Policy*; 2012, 24: 118–125.
- 29- Dunlap, Riley and , Riyan York. 'The globalization of environmental concern and the limits of the postmaterialist values explanation: evidence from four multinational surveys. *The Sociological Quarterly*, 2008, 49: 529–563.
- 30- Kopnina, Helen. Kids and cars: environmental attitudes in children. *Transport Policy*, 2011a.18: 573–578.
- 31- Kopnina, Helen. What is (responsible) consumption? Discussing environment and consumption with children from different socio-economic backgrounds in the Netherlands. *The Environmentalist*, 2011b, 31 (3): 216–226.
- 32- Palmer, Joy, Grodzinska-Jurczak and Jennifer, Suggate. Thinking about waste: Development of English and Polish children's understanding of concepts related to waste management. *European Early Childhood Education Research Journal*, 2003, 11(2): 117-139.

Assessment of Children's Environmental Attitudes from different Socio-Economic Backgrounds in the Mashhad

Meiboudi¹ H, Shobeiri² SM, Ghalee³ S, Leilapoor⁴ N

Abstract

Introduction: The study begins with shaping the attitudes, values, commitment, and skills needed to maintain and support the environment for people of all ages.

Methods: The study was descriptive-survey of 84 child participants were Cluster Multistage sampling from nurseries Khajrabi and Sajad kindergartens at two neighborhoods in Mashhad, was selected as a symbol of both high and low social status. Adapted version of the questionnaire developed by the researcher was supported by images that clearly did introduce each of the questions.

Results: This research focuses on environmental attitudes, trying to identify and explain the relationship between social status and pre-school children's understanding and awareness of the environment. In this research, the figure of merit to assess environmental understanding and awareness of environmental attitudes in children.

Conclusion: It also became clear that the high and low social status, rather than determining the level of environmental understanding and awareness of their environment predicted.

Keywords: Assessment, Environmental attitudes, Children, social stratification, Mashhad.

Received: 18 May 2014

Accepted: 11 August 2014

1- PhD student of Environmental Management, Faculty of Environment and Energy, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (**Corresponding author**).

E-mail: links.state@gmail.com

2- Associate Professor, payam e noor University, Tehran, Iran.

3- PhD student of Environmental Management, Faculty of Environment and Energy, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4- Master student of Environmental Management, payam e noor University, Tehran, Iran.